



تاریخ تکرار شد!

تاریخ تکرار شد! همان سیاست های جیون و اندیشه های پست که با چنگیز با عبدالرحمن و همثال شان شروع شده بود و ادامه یافت؛ تکرار شد. طالب های وحشی و خون آشام، با حمایت و همکاری کشور های اشغالگرو متجاوز چون امریکا، پاکستان... تربیه میشوند اوبه فغانستان فرستاده شدند و در تمام نقاط افغانستان که هر بار خاکش توسط کشور های امپریالیستی و متجاوز سرازیر شد؛ دیگر جنایت و کشتار ها کردند،

چنگیز از آن سوی مرزها، از آن سوی جهان در بامیانی که شهر غلغله داشت، بودا داشت ، انسان های غیور و زحمتکش و بیگناه و همه چیز داشت؛ لشکر کشی کرد. با کشته شدن یک نواسه خود، شهر زیبایی غلغله را به ویرانه ای مبدل ساخت، چراغ شهر غلغله ، برای همیشه خاموش شد. طفل های روی گهواره از دم تیغ چنگیز، جان به سلامت نبردند. بامیان را به گورستان تبدیل ساخت و زنده جانی نماند.



خون انسان های بیگناه را ریختانند. در هر جا که رسیدند قتل ها کردند که مشت نمونه ای خروار و نمونه بارز آن ولایت بامیان و لسوالی یکاولنگ است ، درست در همین شبانه روز یعنی نوزده هم جدی دریایی خون جاری شد، مردم بیگناه یکاولنگ نشانه ای اهداف احزاب قدرت طلب و طالب وحشی شدند. همان احزابی که چوکی و قدرت میخواستند، مردم یکاولنگ را بی خانمان کرد که امروز صاحب همان چوکی ها و قدرتها میباشند. عامل تمام بدبختی ها و جاری شدن خون یکاولنگی ها همان احزاب است. که بنام های مختلف تا توانستند مردم این دیار را از هر دیدگاه مجروح کردند که این جنایت را فراموش تاریخ نخواهند شد. **سیما "سوژا"**

همچنان عبدالرحمان، جنگید و قدرت خواست. در زمان حکومت و قدرت خود به خاطر که مردم اهل تشیع آزاد منش بودند، حق قانونی شان را مطالبه میکردند، میخواستند که به عنوان یک انسان زنده گی نمایند و نمی خواستند که زیر بار آن همه ظلم ها کمر خم کنند، شصت و پنج فیصد اهل تشیع را قتل و یا کوچ اجباری دادند و تا توانست شکنجه کردند و ستم روا داشت. از دختران و بچه های جوان برده و کنیز ساختند، و یا از سر های غنچه گل ها منار ساخت.

که چنین جنایات در طول تاریخ بر ما از هر قدرت طلب روا داشته که نمونه آن ۱۹ جدی ۱۳۷۹ میباشد و دهها چنین جنایات و نسل کشی در تاریخ ثبت است .

سخن شاتو

انا لله و انا الیه راجعون «و هر از گاه در گذر زمان در گذر بی صدای ثانیه های دنیای فانی، جرس کاروان از رحیل مسافری خبر می دهد که در سکونی، آغازی بی پایان را می سراید.

مدیرمسئول و هیات تحریرماه نامه شاتو! چهاردهمین سال یاد مظلوم ترین بی دفاع ترین شهدای قرن که در ۱۹ جدی سال ۱۳۷۹ توسط گروه خون آشام و حیوان صفت طالب و کم کاری گروهک نصر، که در هیچ دین چنین کشتار را روا ندانسته که اینها انجام دادند چی رسد در دین اسلام ، در صورتیکه هر دو گروه خود را مسلمان می گرفتند بصورت بی رحمانه و با دست های بسته در چند روز محدودد پیش چشمان بازماندگه خوردسال شان بقتل رساندند. به پیشگاه مردم شریف و شهید پرور یکاولنگ و بخصوص وارثین این غنچه های رفته تسلیم عرض نموده و از بارگاه خالق یکتا برای شهدا جنت برین و برای بازماندگان شان صبر و شکیبایی مسلت دارد.

کاش آن شب را نمی آمد سحر کاش گم در راه پیک بد خیر ای عجب کان شب سحر اما به ما تیره روزی آمد و شام دگر دیده پر خون از غم هجران و او با لب خندان چه آسنان بر سفر ای دریغ از مهربانی های او دست پر مهر آن کلام پرشکر غصه ها پنهان به دل بودش ولی شاد و خرم چهره اش بر رهگذر در ارزان زان ما بود ای دریغ گنج پنهان شد به خاک و بی ثمر تا پدر رفت آن سحر از پیش رو بی نشان را خاک تیره شد به سر